

قوس زندگی

محمد سرکنی

تألیف

جمشید پور اسمعیل نیاء

انتشارات



نشر پروانه

تبریز - ۱۳۹۴

- سرشناسه : پوراسمعیل نیازی، جمشید ۱۳۵۲ -
- عنوان و نام پدیدآور : قوس زندگی صمد بهرنگی / تألیف جمشید پوراسمعیل نیازی.
- مشخصات نشر : تیریز: انتشارات نصر پروانه، ۱۳۹۳.
- مشخصات ظاهری : ۲۰۸ ص.: مصور؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
- شابک : 978-600-7064-68-9
- وضعیت فهرست نویسی : فیبا
- موضوع : بهرنگی، صمد، ۱۳۱۸ - ۱۳۴۷.
- موضوع : داستان‌نویسان ایرانی -- قرن ۱۴ -- سرگذشتنامه
- موضوع : نویسندگان ایرانی -- قرن ۱۴ -- سرگذشتنامه
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ ق ۹ پ/۹۷۹ PIRV
- رده بندی دیویی : ۸۱۳/۶۲
- شماره کتابشناسی ملی : ۳۹۴۳۳۷۶



قوس زندگی اسماء بهرنگی

تألیف:

جمشید پور اسدیل نیازی

انتشارات نصر پروانه

تبریز - چهارراه بهشتی (منصور) - مجتمع تفریحی اطلس

طبقه زیر زمین - پلاک ۲

همراه: ۰۹۱۴ ۷۷۷۷ ۴۶۶

np_nashr@yahoo.com

www.np-nashr.com

تایپ، طراحی و صفحه‌آرایی : فرشید

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۴

اندازه و تعداد صفحه : رقعی ۲۰۸ ص

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۶۴-۶۸-۹ - ISBN: 978-600-7064-68-9

قیمت: ۱۰۰/۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه

فصل نخست نگاهی به تاریخ

۱۳	مسیبوق به آتش
۱۶	تولد دیگر
۲۲	مقدمات هجرت و آشنایی با اندیشه‌های سوسیالیستی
	ورود اندیشه‌ی سوسیالیست، به بیان جنبش مشروطه‌خواهی و شکل‌گیری
۲۸	جنبش کارگری
۳۴	از مشروطیت تا مرگ صمد
۵۰	دوره‌ی پس از کودتا و فضای جدید

فصل دوم فرقه‌ی دموکرات آذربایجان

۶۵	فرقه‌ی دموکرات آذربایجان
----	--------------------------

فصل سوم صمد بهرنگی از تولد تا مرگ به روایت اسد بهرنگی

۱۱۱	کودک سیاه چرده (قره بالا)
-----	---------------------------

۱۱۷	 در روزهای کودتای ۲۸ مرداد ۳۲
۱۳۲	 نیلوفر قلم به دست صمد می پیچد!
۱۳۶	 پاره پاره شد خواب ستمگران به پاره پاره ها

فصل چهارم جان کلام

۱۵۷	 صمد ناسیونا! است مرگ وود!
-----	---------------------------------

فصل پنجم پیچ و تاب

۱۸۹	 فرازهایی از زندگی «صمد بهرنگی»
۱۹۷	 سخنی چند از زندگی «صمد بهرنگی»
۲۰۱	 تصاویر

مقدمه

ترسیم منحنی زندگی فردی همچون صمد بهرنگی کاریست صعب. چرا که با وجود معاصر بودن دوران زندگی صمد، و با وجود آن که علی‌القاعده این کتابی اطلاعات کاملی از نحوه‌ی زیست و تکامل فکری وی در دست باشد، اما بنا به دلایلی که شرح آن در متن کتاب خواهد آمد نه تنها مرگِ رمزیِ هرچنان در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است بل زندگی و تکامل فکری وی نیز به دلایلی دست‌خوش فراز و نشیب‌هایی شده است که نه تنها نسل امروزین جامعه بل بیم آن می‌رود که نسل‌های آتی را نیز دچار انحرافات عدیده‌ای در ترسیم ذهنی از سیمای حقیقی و شخصیت صمد نماید.

بی‌شک با رجوع به انواع مطالبی که در عرض صمد نوشته شده و خواهد شد، این نکته در ذهن خواننده‌ی نسل‌های آتی ساقط نخواهد گرفت که صمد که بود؟ خاستگاه فکری صمد چه بود؟ به سبب طبعی از روشن‌فکران دوران خود تعلق داشت؟ اهل مبارزه بود یا بحث و جدال، و... این همه منجر به قصه‌سرایی‌هایی شده است که سیمای صمد را در مُحاق تفسیر به رأی‌های شخصی، گروهی، فرقه‌ای و حزبی می‌برد. اندک‌امیدی به نوشته‌ها و خاطرات برادرش اسد بود که او نیز مصون از فشارهای سیاسی دوره‌ی خویش نمانده و راه به بی‌راهه بُرد. هر چند که در «برادرم

صمد بهرنگی...^۱ سعی نمود از شخصیت صمد و زندگی و زمانه‌اش تصویری روشن ارائه نماید اما نوشته‌های او را نیز نمی‌توان کاملاً صادق دانست. بر اهل فن پوشیده نیست که اسد نیز در همان فضایی نوشت که دیه آن نوشتند.

گذشته از این همه، اسد به دنبال آن بود که صمد را زنده کند. نه این که صمد از یاد رفته بود نه. کتاب‌های صمد دست‌خوش تند باد حوادث بود. به جرأت می‌توان گفت که زندگی و مرگش بر چاپ کتاب‌هایش سایه افکنده بود. سالی که در اردستان و سنگین که مانع از انتشار کتاب‌هایش می‌شد. بالاخره باید که این روند چار تحول می‌شد.

نیک به خاطر دارم که امین تالان‌ها، آن در سال ۷۴ به وقوع پیوست. در اواسط بهمن ماه ۱۳۷۴ سنگ سفید - مرمری به نقش صمد مزین شد در کارگاه حجاری استاد احد اسعدی. رفقایمان جوان به درست به خاطر داشته باشم در روز جمعه ۷۴/۱۱/۲۰ شبانه آن را بر سر صمد نصب کردند. این اولین قدم بود در راستای زدودن غبار سیاست از خلوت صمد.

بعد از آن سال‌ها، چند باری با اسد توفیق همنشینی داشتم و نهایتاً در سال ۸۳ منجر به برگزاری مراسم گرامی‌داشت صمد در ۹ شهریور همان سال شد. فراخوان این مراسم به دست حقیر تهیه و با همراهی دوستان گرانقدر و صد البته زنده یاد اسد بهرنگی جامه‌ی تحقق به خود پوشید. از

۱ - «برادرم صمد بهرنگی، روایت زندگی و مرگ او»، تألیف «اسد بهرنگی»، تبریز، نشر بهرنگی، ۱۳۷۸.

هزینه‌هایی که دامن‌گیر اینجانب شد سخن به میان آوردن نمی‌تواند محلی از اعراب داشته باشد.

هر چه بود آن مراسم تمام شد و اولین مراسمی شد که بعد از انقلاب به صورت رسمی و با فراخوان قبلی در گرامی داشت زنده یاد صمد برگزار شد. این همه نه از آن بابت نوشتم که برخی چنین بپندارند که قصد خودمایی دارم بل از آن رو بود که عده‌ای بدانند آنچه قلمی می‌شود ادای دینی است. صمد یاد و خاطره‌اش، از سر محبت و ارادت.

بنابراین اگر چشمه در جایی از نوشته‌های این کتاب، مطالبی به مذاق کسی خوش نیامد و با تکرار و ذهنت‌های عده‌ای دیگر نساخت و یا بالعکس منطبق بود و احساس ته‌سیر از نگارنده نیست. متقدمین را همتی باید تا از چهارچوب باورهای خشک و گم و جزم‌گرایانه برهند نه این حقیر را که صمد را به وسعت بودنش دوست داشت، در جایگاه تاریخی خودش. از دیگر سوی، متأخرین نیز بدانند که دل در گرو مهر آیینی خاص یا اندیشه‌ای ناب نبسته‌ام، هر چه از این خامه می‌براند در راستای تحقیق است و بررسی. بدون جانب‌داری و وابستگی به جریان و تکیه خاص.

در این نوشته از نوشتارهای دیگران سودها برده‌ام که در این جای کتاب بدان‌ها اشارتی خواهد رفت.

باشد که این اثر مقدمه‌ای باشد بر تثبیت جایگاه صمد در بستر تاریخ، نه به گونه‌ای که می‌خواهند باشد، بل به گونه‌ای که بود. یقین دارم که صمد فرزند خلق بود و جایگاهش در اندیشه‌ی خلق محفوظ بوده، هست و خواهد بود. سرو اندیشه‌ی صمد بر «ادبیات کودکان» و «ادبیات خلقی» چنان

سایه افکننده است که بسیاری دوست دارند با تغییر حدود دیوارها این درخت را به حیات خلوت منزل خویش مُنْضَم کنند؛ و این برخی به اصطلاح روشنفکران چمدان به دست هستند که هر کجا رحل اقامت می‌افکنند، سعی دارند صمد را نیز اهل آنجا بدانند و در سایه سارش راسایند.

در این ریزه‌ی ناچیز آنچه مدّ نظر نگارنده نیست، شیوه‌ی مرگ صمد است. چنانچه به باور نگارنده صمد زنده‌ی همیشگی تاریخ است و آن که زنده شد به سبق، قول نایرد هرگز.

طبیعتاً این نوشته از گذشته‌ی او خواهد آغازید که با حیات صمد فاصله داشت. اما ریشه‌های فکری صمد در ردّ جای این گذشته سیراب شده و با آن عجین بوده است. این گذشته را به تمامیت زوایای آن نمی‌توان در این مختصر به بحث نشست اما به قول معروف ادب ریا را اگر نتوان کشید- هم به قدر تشنگی باید چشید». بنابراین ارباب خرد این فقیر را ببخشایند که کوتاه خواهد نمود شرح راه صدها ساله را به سیاه بردن چند ورق. نیت شرح تاریخ نیست، بل نشان دادن سیر تکاملی جریانی است که صمد را ساخت.

خاکسار اهل ادب و قلم

جمشید پور اسمعیل نیازی